

چرایی و پیامدهای ستم‌گری و ستم‌ستیزی در سپهر آموزه‌های رضوی؛ رهیافتی تمدنی

محسن الویری^۱

چکیده

در خوانش تمدنی آموزه‌های رضوی با موضوعات مختلفی روبه‌رو هستیم که واکاوی و درنگ در آنها راهی مناسب برای دست یافتن به منظومه اندیشه تمدنی امام رضا علیه السلام به‌شمار می‌رود. این جستار بر آن است موضوع ستم‌گری و ستم‌ستیزی را که پدیده‌ای دیرین و دارای ظهور و بروز در خردترین تا کلان‌ترین سطوح زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست، در گستره آموزه‌های رضوی به بررسی بنشیند. این مهم پس از گزینش ۲۶ گزاره مرتبط با این موضوع از مجموعه روایات منقول از حضرت رضا علیه السلام و نمایه‌زنی آنها در نرم‌افزار «مکس کیودا» صورت گرفته است. در مرحله بعد ۳۸ نمایه به دست آمده در چهار محور اصلی چرایی ستم‌گری، پیامدهای ستم‌گری، چرایی ستم‌ستیزی و پیامدهای ستم‌ستیزی دسته‌بندی شده است. پس از توضیح و تبیین محورهای فرعی ذیل چهار محور اصلی، با رویکردی تمدنی عوامل مؤثر بر پیدایش و رواج ستم‌گری و نیز ستم‌ستیزی در قالب سه مؤلفه مهم تمدنی یعنی نظام اندیشگی، حکومت و مناسبات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به جایگاه کانونی نظام اندیشگی در یک تمدن، و نقش محوری خدااباوری و خدااناباوری در آن، می‌توان ایمان به خدا را از دیدگاه امام رضا علیه السلام اصلی‌ترین عامل ستم‌گریزی و ستم‌ستیزی و ضعف ایمان به خدا را اصلی‌ترین عامل ستم‌گری در یک تمدن شمرد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه السلام، خدااباوری، سیره رضوی، ستم‌ستیزی، ظلم.

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه باقر العلوم علیه السلام، قم، ایران. alviri@bou.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۴/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۰۴/۰۶/۲۲

درآمد

مفاهیمی که در متون دینی (قرآن و روایات) مورد بررسی قرار می‌گیرند از منظر چگونگی پیوند با آموزه‌های دینی به دو دسته تقسیم می‌شوند: مفاهیم درون‌دینی و مفاهیم برون‌دینی. مفاهیم درونی مفاهیمی هستند که واژه کانونی مورد بررسی در آن در متون دینی به‌کار رفته است و پژوهشگر نیز با گردآوری مجموعه گزاره‌های در بردارنده آن واژه یا مشتقات آن، به تحلیل مضمون آنها می‌پردازد. به‌عنوان مثال اگر کسی مایل باشد درباره صبر یا توکل در آموزه‌های دینی، پژوهشی را سامان دهد، از آنجا که این دو واژه خود برگرفته از متون دینی هستند، پژوهشگر می‌تواند داده‌های مورد نیاز خود را با جستجو و گردآوری گزاره‌های در بردارنده این دو مصدر و یا مشتقات آنها فراهم آورد؛ ولی مفاهیم برون‌دینی مفاهیمی هستند که اصطلاحات اصلی و رایج درباره آنها در متون دینی به‌کار نرفته است، مانند توسعه، بیکاری، سرگرمی، شهروندی و جز آن. بررسی این دسته از مفاهیم نپدید اجتماعی در متون دینی کار آسانی نیست و پژوهشگر در نخستین گام با این پرسش روبه‌روست که بررسی خود را بر پایه کدام واژه باید استوار کند؟ این پرسش پیش از هر دانش دیگر در دانش فقه که موضوع آن کنش‌ها و رفتارهای مکلفان است، رخ می‌نماید. از این‌رو فقیهان کوشیده‌اند با باریک‌بینی و ژرف‌نگری انواع موضوعات درون‌دینی و برون‌دینی را شناسایی و دسته‌بندی کنند (به عنوان نمونه نک. فرحناک، ۱۳۹۰: سرتاسر اثر؛ الموسوی، ۱۴۳۰: ۳۱-۶۷). روشن است که این مسئله محدود به دانش فقه نیست؛ به‌ویژه در دانش‌های جدید وقتی به دنبال واکاوی نگاه دین درباره آنها باشیم، با چالش واژگان و اصطلاحات برون‌دینی روبه‌رو هستیم.^۱

برای بررسی اصطلاحات علمی و فرهنگی برون‌دینی در متون دینی، گاه می‌توان یک اصطلاح دینی متناسب که بتواند همه یا بیشتر دایره معنایی مورد نظر را در بر بگیرد، یافت؛ مانند سپاسگزاری که می‌توان واژه شکر را به‌عنوان معادل آن در نظر گرفت و سپس به همان روش گردآوری گزاره‌های در بردارنده این مصدر یا مشتقات آن عمل کرد. گاه یافتن چنین واژه محوری دشوار است که در این صورت باید به روش‌هایی مانند تبدیل مفهوم مورد نظر به مفاهیم خردتر و جزئی‌تر و یافتن مفاهیم متناسب با آنها در متون دینی به تحلیل مؤلفه‌های مفهوم مورد نظر دست زد؛ مانند وقتی که مفاهیمی مانند فرهنگ یا توسعه در آموزه‌های دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. گاه این کار با تشکیل شبکه معانی امکان انجام می‌یابد.

این جستار، ستم را به‌مثابه یک عنوان مفهوم و واژه برون‌دینی و مصدر ظلم را به‌عنوان برابر نهاد آن در متون دینی (در اینجا روایات منقول از امام رضا علیه السلام) مد نظر قرار داده است و بر آن است تا در

۱. در این باره مطالعه منابع زیر بسیار سودمند و راهگشاست: پاکتچی، ۱۴۰۲؛ راموز و قانع، ۱۳۹۶؛ حسین‌نژاد، بی‌تا؛ پرور، ۱۴۰۱؛ کمانی نجف‌آبادی، ۱۴۰۲؛ علوی، ۱۳۹۲؛ نوایی، ۱۳۸۱.

یک چارچوب علمی که می‌توان آن را الهیات ستم (به‌عنوان یک زیر شاخه از الهیات مضاف)^۱ نامید، دیدگاه امام رضا علیه السلام را بر پایه روایات آن حضرت درباره پاره‌ای از ابعاد این موضوع بکاود و یافته خود را با نگاهی تمدنی به فشرده‌گی تحلیل کند. این تأکید از آن روی بیان می‌شود که می‌توان مفهوم ستم را از منظر اخلاقی، کلامی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی و اجتماعی هم مورد بررسی قرار داد؛ ولی داوری درباره این نوشتار باید در چارچوب نگاه تمدنی و نه دیگر شاخه‌های علمی صورت بندد.

مفهوم ستم با تأکید بر واژه ظلم در متون عربی

واژه ستم یک واژه برون‌دینی است که چند واژه درون‌دینی به‌عنوان برابر نهاد آن می‌تواند مد نظر قرار گیرد. اصلی‌ترین و پرکاربردترین معادل آن در زبان دینی و نیز در متون دینی واژه ظلم است که مصدر و مشتقات آن ۲۹۱ بار در قرآن به‌کار رفته است. واژه‌هایی همچون تعدی، جور، هضم، غشم و بغی دیگر واژه‌هایی هستند که می‌توان واژه ستم را به‌عنوان برابر نهاد فارسی آنها مد نظر قرار داد. این واژگان تفاوت‌هایی با ظلم دارند (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۲۶-۲۲۷). اگر قرار باشد روزی برای ستم یک دایره معنایی تدوین شود، این کار جز با در نظرگرفتن این واژه‌ها و تفاوت‌های آنها امکان‌پذیر نخواهد بود. تکیه این جستار تنها بر کاربردهای مصدر ظلم و مشتقات آن در روایات رضوی است. موضوع ظلم در منابع کلامی هم در بحث عدالت خداوند و نیز در بحث امامت و بررسی مسئله ویژگی جانشینان پیامبر و حاکمان جامعه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در مباحث مربوط به اندیشه سیاسی معاصر مباحثی در این باره به چشم می‌خورد. با توجه به این‌که بررسی ما محدود به دلالت معنایی این واژه است، نیازی به بررسی معنای اصطلاحی واژه و مرور مباحث کلام سنتی و جدید مرتبط با آن در اینجا نیست.

فراهیدی (متوفای ۱۷۵؛ ۱۴۰۹: ۱۶۲/۸-۱۶۳)، نخستین تدوین‌کننده فرهنگ واژگان عربی، پس از برشمردن معانی ظلم به بررسی مصدر ظلم پرداخته و آن را گرفتن حق دیگری تعریف کرده است و مشتقات مختلف آن را هم معنی کرده است. ابن منظور (متوفای ۷۱۱؛ ۱۴۱۴: ۲۷۳/۱۲)، بزرگترین تدوین‌کننده فرهنگ واژگان عربی، در توضیح ظلم، همان عبارت معروف «وَضَع الشَّيْءَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ» را آورده است. توضیحات بعدی ابن منظور یک برداشت دیگر از ظلم را به معنای از راه راست بیرون شدن و به‌چپ و راست رفتن و پا را از حد فراتر نهادن نشان می‌دهد. تبیین راغب اصفهانی (متوفای ۴۰۱؛ ۱۴۱۲: ۵۳۶) به‌عنوان تدوین‌کننده نخستین و شاید مهم‌ترین فرهنگ

۱. برای درکی کلی از الهیات مضاف به‌عنوان برابر نهاد "Theology of ..." یا "Theology and ..." نک. صفدری، «عصر الهیات‌های مضاف و روابط بین الملل»؛ اشمیت، ۱۳۹۱: مقدمه، ۵۳-۱۹، فصل اول، ۶۳-۸۸؛ Volf & Croasmun, "Theology for the life of the World" 2019.

واژگان قرآنی از مفهوم ظلم تفاوت زیادی با معاجم لغوی ندارد. از نظر او ظلم که در مفهوم اصلی خود نهادن چیزی در غیرجای خود است، خواه از طریق کاستن آن یا افزودن بر آن و یا پاس نداشتن زمان و مکان ویژه آن، متناسب با موضوعات مختلف معانی مختلفی می‌یابد، مثلاً ظلم به زمین یعنی کندن بخشی از زمین که برای کندن مناسب نیست. راغب مستند به کاربرد قرآنی واژه ظلم بر این باور است که ظلم پاس نداشتن حق ولو به صورت اندک است و لذا گناه چه بزرگ باشد (مانند گناه ابلیس) و چه کوچک (مانند آنچه از حضرت آدم علیه السلام سر زد) یک ظلم شمرده می‌شود و در ادامه به نقل از یکی از حکماء ظلم را به سه دسته تقسیم کرده است: ظلم بین انسان و خدا، ظلم بین انسان و دیگر انسان‌ها، ظلم بین انسان و خودش و برای این سه دسته مستندات قرآنی متعددی برشمرده است. او سپس می‌افزاید که این سه در حقیقت ظلم به نفس هستند (همان، ۵۳۸). همان‌گونه که ذکر شد معانی اصطلاحی ظلم مد نظر این نوشتار نیست، ولی توجه به این نکته جالب است که بر پایه آنچه تهبانوی (۱۹۹۶: ۱۱۵۲/۲) در اصطلاح‌نامه خود آورده است، معنای لغوی ظلم و معنای اصطلاحی آن در منظومه اندیشه دینی همسانی دارد. به گفته او ظلم که در لغت به معنای «وضع الشيء فی غیر محله» است، در شریعت نیز به معنای «التعدی عن الحقّ الی الباطل» به کار رفته است. معنی مورد نظر از ظلم در این جستار همین معنی مورد تأکید لغت‌شناسان و اصطلاح‌شناسان عربی یعنی حق را به جای نیاوردن است.

درنگی درباره مفهوم «رویکرد تمدنی»

خوانش تمدنی آموزه‌های دینی، سنت و سیره معصومان رویکردی نو در مطالعات دینی است که با توجه به ویژگی‌های نگاه تمدنی از فراگیری و جامعیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در چنین نگاهی، لازم نیست موضوعات مورد بررسی، خود نیز پدیده‌ای تمدنی باشند، بلکه حتی هر موضوع خرد فردی و یا اجتماعی می‌تواند با رویکرد تمدنی مطالعه و بررسی شود و به عبارتی دیگر مورد خوانش تمدنی قرار گیرد. خوانش تمدنی یک پدیده یعنی آن پدیده در پیوند با کلان‌ترین، پیچیده‌ترین سطح و مقیاس مناسبات انسانی بررسی شود و پیام‌ها و آورده‌های آن در چنین سطحی مورد سنجش و تحلیل قرار گیرد (برای آشنایی بیشتر با مفهوم رویکرد تمدنی، نک. بهمنی خدنگ و مولائی آرانی، ۱۴۰۲: سراسر اثر). پژوهشگران برای رویکرد تمدنی شاخص‌های گوناگونی بر شمرده‌اند؛^۱ با این

۱. در این مقالات شاخص‌های متفاوتی از منظرهای گوناگون برای سنجش رویکرد تمدنی برشمرده شده است: الویری، ۱۴۰۲: ۱۲۶-۱۲۹ (پانزده شاخص)؛ جمالی، ۱۴۰۲: ۲۰۳-۲۱۹ (نه شاخص)؛ حیدری‌پور، ۱۴۰۲: ۲۴۵ (هشت شاخص)؛ رهدار، ۱۴۰۲: ۲۵۹-۲۹۲ (هشت شاخص)؛ نوروزی فیروز، ۱۴۰۲: ۳۳۲-۳۳۴ (سه شاخص)؛ واسعی، ۱۴۰۲: ۳۵۱-۳۵۴ (شش شاخص)؛ هاشمی‌نسب، ۱۴۰۲: ۳۶۷-۳۶۹ (هفت شاخص).

همه با توجه به نوپدید بودن تمدن به‌مثابه یک رشته علمی^۱ و به بیانی دقیق‌تر فرارشته^۲ بودن آن، مطالعات و پژوهش‌های مربوط به شاخص‌گذاری تمدن و رویکرد تمدنی نیازمند تکمیل است. بر پایه تفسیری که از رویکرد تمدنی بیان شد، مدعای این نوشتار آن نیست که امام رضا علیه السلام (۱۴۸-۲۰۳) ظلم را به‌عنوان یک موضوع تمدنی مورد بررسی قرار داده و ما در پی گزارش دیدگاه تمدنی آن حضرت هستیم، بلکه این نوشتار بر آن است که آنچه را آن امام همام درباره ریشه‌ها و پیامدهای ستم در عرصه فردی یا اجتماعی بیان کرده‌اند، با نگاهی تمدنی مورد بررسی قرار دهد. بنابراین نگاه تمدنی زاویه دید و عینک ما برای درنگ در سخنان امام است، نه این که امام آن را بیان کرده باشند. بر این اساس، نگاه تمدنی در این جستار در مرحله‌گزینش داده‌ها (گزاره‌های دربردارنده مصدر ظلم و مشتقات آن) نقشی نداشته است و همه شواهدی در بردارنده مصدر یا مشتقات (ظ. ل. م) گردآوری شده‌اند؛ و پس از دسته‌بندی داده‌های برگزیده، یافته‌های پژوهش با نگاهی تمدنی تفسیر و تبیین شده‌اند. این داده‌ها می‌تواند از منظرهای دیگری مثلاً از منظر روانشناختی یا جامعه‌شناختی یا اخلاقی و جز آن تحلیل شود، ولی در اینجا از منظر تمدنی مورد تحلیل قرار گرفته است.

روایات امام رضا علیه السلام

روایات امام رضا علیه السلام (امامت: ۱۸۳-۲۰۳)، همچون دیگر امامان شیعه، اغلب به‌صورت پراکنده در منابع حدیثی شیعه نقل شده‌است. با وجود این برخی محدثان کوشیده‌اند مجموعه روایات آن حضرت را به‌صورت یکجا تدوین کنند. کتاب صحیفه الإمام الرضا علیه السلام (که گاه با نام‌هایی دیگر مانند نسخه الرضا علیه السلام، مسند ابن ابی جعد، و یا الرضویات هم از آن یاد می‌شود) گردآوری شده از سوی احمد بن عامر طائی (متوفای ۲۶۰) و دربردارنده ۲۴۰ حدیث از امام رضا علیه السلام و یا کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام نوشته شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱) در ۶۹ باب نمونه‌ای از کوشش متقدمان و کتاب مسند الامام الرضا علیه السلام تألیف مرحوم آیت‌الله سیدعزیزالله عطاردی (۱۳۹۳ ش) نمونه‌ای از کوشش معاصران در این زمینه است.

متن برگزیده برای استخراج اطلاعات این مقاله، کتاب مسند الامام الرضا علیه السلام است و تنها در پنج مورد غیرتکراری به کتاب صحیفه الإمام الرضا علیه السلام هم ارجاع داده شده‌است. از مجموع روایات موجود در این دو اثر، ۲۸ گزاره برگزیده شده‌است که برای پرهیز از طولانی شدن متن، از ذکر آنها در اینجا خودداری می‌شود ولی در پاورقی‌های بخش تحلیل یافته‌ها، متن بیشتر آنها آورده خواهد شد.

1. Dicipinary.
2. Metadicipinary.

روش پژوهش

برای به انجام رسیدن این پژوهش، در گام نخست، روایات در بردارنده مصدر «ظ.ل.م» در دو متن برگزیده، شناسایی و استخراج شد. در مرحله بعد، پس از حذف مکررات و کنار گذاشتن بخش‌های غیرمرتبط از روایات و مشخص ساختن گزاره اصلی مورد استناد، سرانجام ۲۶ گزاره برگزیده و از متن اصلی جدا و در یک متن یکپارچه جدید به ترتیب کنار هم قرار گرفت. در گام بعدی، مضامین این متن یکپارچه با بهره بردن از نرم‌افزار «مکس کیودا»^۱ شناسایی و نمایه‌زنی و در چهار محور چرایی و عوامل ستم‌گری، پیامدهای ستم‌گری، چرایی ستم‌گری و ستم‌سبزی و پیامدهای ستم‌سبزی دسته‌بندی شد. با توجه به این که ۲۶ مضمون شناسایی شده گاه بیش از یک بار مورد استناد قرار گرفته است، مجموعه گزاره‌های مورد استناد در این چهار محور به ۳۸ گزاره می‌رسد. طراحی و استخراج نمودارهای مربوط به دسته‌بندی مضامین به کمک نرم‌افزار مکس کیودا انجام شده است و بررسی و تحلیل هر یک از دسته‌های چهارگانه نیز گام پایانی این مطالعه به‌شمار می‌رود. توجه به این ملاحظات درباره مراحل و چگونگی انجام پژوهش، ضروری است:

محدود بودن این بررسی به گزاره‌های در بردارنده مصدر ظلم و مشتقات آن و امکان تکمیل این پژوهش از طریق افزودن مصدر و مشتقات واژه‌های دارای بار معنایی نزدیک به ظلم (مانند جور و جفا و تعدی) و نیز امکان تکمیل پژوهش از طریق افزودن مطالعه سیره عملی امام رضا علیه السلام و نمایه‌زنی رفتارهای آن حضرت.

بی‌توجهی به جایگاه امام رضا علیه السلام در سلسله راویان به این معنی که گاه امام منبع اصلی روایت است و راوی یا سلسله راویان، متن حدیث را از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند و گاه امام خود نیز در سلسله راویان قرار دارد و روایت را از امام پیشین و یا با تعداد واسطه بیشتر از امامان پیشین یا پیامبر نقل کرده است. هر دو نوع این روایات در این جستار به منزله روایت رضوی مورد توجه بوده است.

نمایه‌زنی گزاره‌های منتخب بر پایه پیشینه فکری و اولویت‌های ذهنی پژوهشگر (هرمنوتیک متن)^۲ و موجه بودن این احتمال که چه بسا اگر این نمایه‌زنی از سوی فردی دیگر صورت گیرد، یافته‌هایی متفاوت به‌دست آید.

چشم پوشیدن از بررسی‌های رجالی و سنجش اعتبار بیرونی روایات و محدود کردن هدف پژوهش به روایات منقول از امام رضا علیه السلام در منابع مورد نظر صرف نظر از قطعیت یا عدم قطعیت صدور آنها از سوی آن حضرت.

1. Maxqda.
2. Hermeneutics of Texts.

مروری بر یافته‌ها

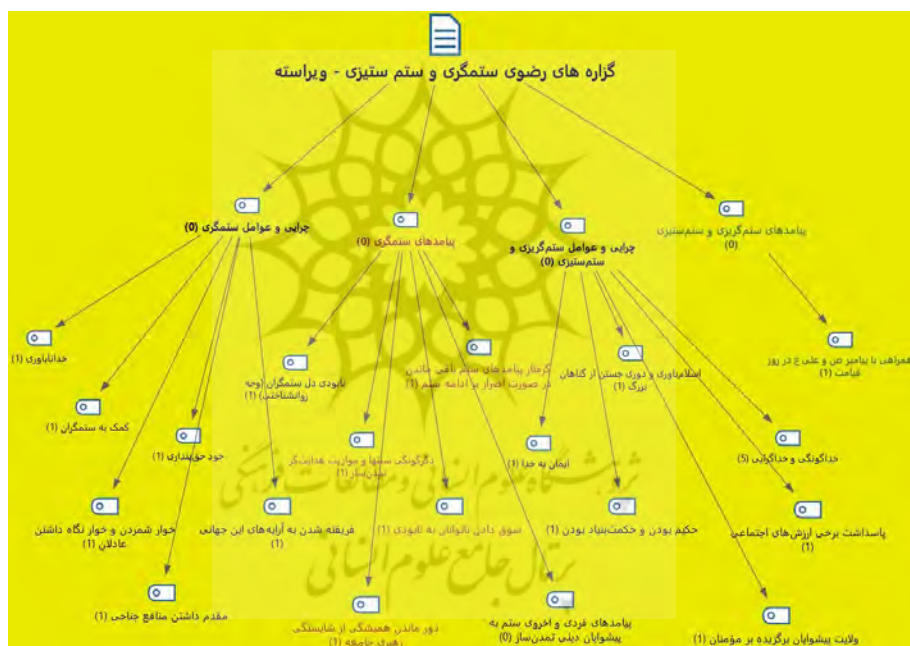
با توجه به توضیحاتی که تاکنون داده شد، عنوان بسط‌یافته مقاله را می‌توان این‌گونه در نظر گرفت: تفسیر تمدنی چرایی و پیامدهای ستم‌گری و ستم‌ستیزی در آموزه‌های رضوی بر پایه مصدر و مشتقات ظلم در روایات رضوی موجود در صحیفه الإمام الرضا علیه السلام و کتاب مسند الامام الرضا علیه السلام. همان‌گونه که ذکر شد ۳۸ نمایه از ۲۶ مضمون شناسایی شده به کمک نرم‌افزار مکس کیودا در چهار محور اصلی با این فراوانی و با مجموعه‌ای از محورهای فرعی دسته‌بندی شده‌است (نمودار شماره ۱):

- چرایی و عوامل ستم‌گری؛ با ۱۰ فراوانی

- پیامدهای ستم‌گری؛ با ۱۷ فراوانی

- چرایی و عوامل ستم‌گری و ستم‌ستیزی؛ با ۱۰ فراوانی

- پیامدهای ستم‌گری و ستم‌ستیزی؛ با ۱ فراوانی



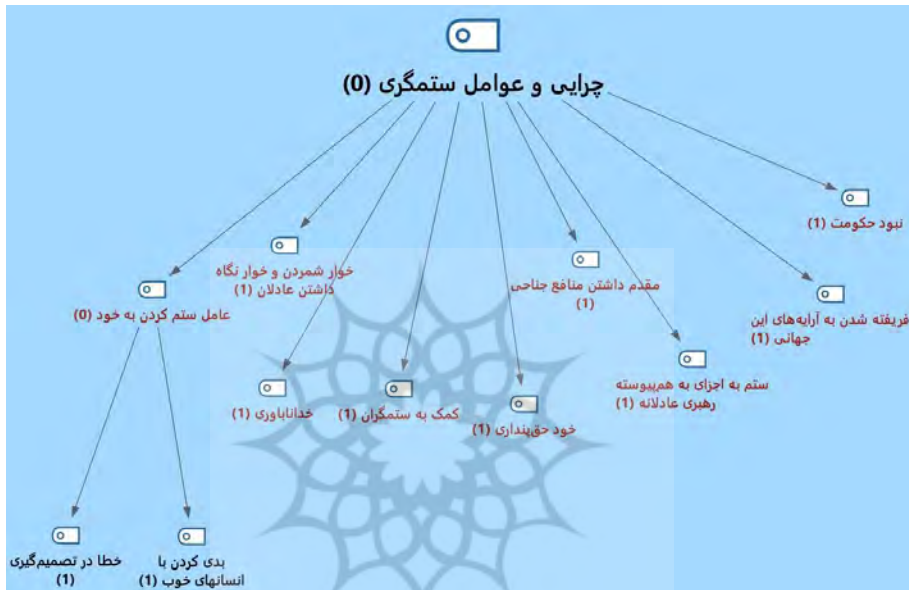
نمودار شماره ۱: محورهای چهارگانه اصلی و محورهای فرعی هر یک از آنها بر پایه ۳۸ مضمون شناسایی شده از روایات امام رضا علیه السلام درباره ظلم

الف) چرایی و عوامل ستم‌گری

طبیعی است وقتی از ستم‌گری سخن گفته می‌شود، می‌توان به گونه‌شناسی‌هایی بر اساس انواع ستم‌گر، ستم‌پذیر و ستم دست زد. در سخنان امام رضا علیه السلام هم این گونه‌ها را می‌توان یافت. به‌عنوان

مثال متعلق ستم یعنی کسی که ستم نسبت به او روا داشته می‌شود، گاه به صورت مطلق در روایات رضوی آمده یعنی مصداقی برای آن بیان نشده است و گاه از خداوند و گاه از امام معصوم به عنوان کسی که مورد ستم قرار می‌گیرد نام برده شده است و از نظر امام گاه نیز این ستم از سوی انسان به خودش صورت می‌گیرد.

امام رضا علیه السلام درباره چرایی و عوامل ستم‌گری به هشت موضوع اشاره کرده‌اند (نمودار شماره ۲) که توضیح فشرده آنها در ادامه خواهد آمد.



نمودار شماره ۲: چرایی و عوامل ستم‌گری در روایات امام رضا علیه السلام

۱. خداناباوری

امام رضا علیه السلام در پاسخ به کسی که از ایشان پرسیده بود، خداوند چرا انسان‌ها را به اقرار به توحید و پیامبران و حجت‌های الهی و وحی واداشته است؟ فرمود کسی که به خداوند اقرار نکند و از سرپیچی کردن از خدا دوری نجوید و از ارتکاب گناهان کبیره دست نکشد و در کششی که به فساد و ستم دارد و لذتی که از این دو می‌برد... زندگی همگان به تباهی کشیده می‌شود.^۱ در این سخن امام

۱. «عن الرضا عليه السلام قال: فإن قال قائل: لم أمر الخلق بالإقرار بالله و برسله و بحججه و بما جاء من عند الله عزّ و جلّ قيل: لعل كثيرة منها: أن من لم يقم بالله عزّ و جلّ و لم يجتنب معاصيه و لم يبتئ عن ارتكاب الكبائر و لم يراقب أحدا فيما يشتهي و يستلذ عن الفساد و الظلم و إذا فعل الناس هذه الأشياء و ارتكب كل إنسان ما يشتهي و يهواه من غير مراقبة لأحد كان في ذلك فساد الخلق أجمعين و وثوب بعضهم على بعض فغصبوا الفروج و الأموال و أباحوا الدماء و النساء، و قتل بعضهم بعضا من غير حقّ و لا جرم، فيكون في ذلك خراب الدنيا و هلاك الخلق و فساد الحرث و النسل» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۴۵-۴۶ باب جوامع التوحيد).

رضا علیه السلام، هر چند صفاتی ناپسند مانند دوری نجستن از گناه را به صورت عطف بر خدانا باوری ذکر کرده است، ولی با توجه به مقدم ساختن خدانا باوری بر همه اینها، این سخن گزاف نیست که گفته شود از نگاه امام، خدانا باوری سرچشمه و نقطه آغاز و از جمله اسباب و علل بسیاری از کژی‌ها و بدی‌ها از جمله ستم‌گری است.

۲. کمک به ستمگران

۳. خوار شمردن و خوار نگاه داشتن عادلان

امام در سخنی کوتاه از دو رفتار نکوهیده اجتماعی که انجام آنها انسان را به انسانی ستم‌گر تبدیل می‌کند نام برده‌اند؛ یکی از اینها کمک به ستمگران است و دیگری خوار شمردن و خوار نگاهداشتن عادلان.^۱

۴. اتکاء به حمایت‌های جناحی

۵. خود حق‌پنداری

محمد بن قاسم بن فضیل در روایتی که مرحوم کلینی آن را در کافی نقل کرده است می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که یکی از دوستداران شما مقداری بدهی به یکی از غیرشیعیان دارد و آن مرد غیرشیعه می‌خواهد که این شیعه بدهکار را تحت فشار قرار دهد و به زندان بیاورد، چرا که پی برده این فرد شیعه چیزی برای پرداخت بدهی خود ندارد و توانایی [تأمین] آن را هم ندارد، ولی چون این فرد غیرشیعه و طلبکار بینه‌ای برای طلب خود ندارد، آیا آن فرد شیعه می‌تواند از طریق سوگند خوردن (مبنی بر این که به او بدهی ندارد) این خطر را از خود دور کند تا وقتی که خداوند برای او گشایشی ایجاد کند؟ و (همچنین یک سؤال دیگر آن‌که) اگر از بین دوستداران شما شاهدانی باشند که می‌دانند این فرد شیعه توان پرداخت بدهی را ندارد، آیا می‌توانند علیه او شهادت بدهند؟ امام فرمودند که آنها مجاز به شهادت دادن نیستند ولی آن مرد شیعه هم مجاز به ستم کردن به طلبکار خود نیست^۲: «... لا يجوز أن يشهدوا عليه و لا ينوی ظلمه». درباره حرف واو و مرجع ضمیر در عبارت «ولاینوی ظلمه» سه برداشت متفاوت می‌توان داشت، بر پایه این برداشت که واو را عاطفه بدانیم و مرجع ضمیر در «ینوی» را فرد بدهکار و مرجع ضمیر متصل مفعولی را فرد طلبکار. امام

۱. «من أعان ظالما فهو ظالم و من خذل عادلا فهو ظالم» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۲۳۲).

۲. «الكلینی عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن خالد، عن سعد بن سعد، عن محمد بن القاسم بن الفضیل، عن أبي الحسن علیه السلام قال: سألته و قلت له: رجل من موالیک علیه دین لرجل مخالف یرید أن یعسره، و یحبسه، و قد علم أنه لیس عنده و لا یقدر علیه و لیس لغریمه بینة، هل يجوز له أن یحلف له لیدفعه عن نفسه حتی یرسّر الله له، و إن کان علیه الشهود من موالیک قد عرفوا أنه لا یقدر، هل يجوز أن يشهدوا علیه؟ قال: لا يجوز أن يشهدوا علیه و لا ينوی ظلمه» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۲/۴۰۲-۴۰۳ باب النوادر).

می‌فرمایند که این فرد شیعه بدهکار نباید با اتکای به این که دوستان و هم‌کیشان او نباید علیه او شهادت بدهند، از این ظرفیت سوء استفاده کند و به فرد طلبکار ستم بورزد. این برداشت با تلقی و او به‌عنوان و او حالیه هم با اندکی تکلف قابل تطبیق است.

از این روایت نکته دیگری هم قابل برداشت است و آن این که امام، تصمیم این فرد شیعه بدهکار را برای سوء استفاده از شرایط موجود (بینه نداشتن طلبکار) و عدم پرداخت بدهی به طلبکاری که سندی برای طلب خود ندارد، ظلم می‌نامد. از فضای این روایت می‌توان برداشت کرد که خود و باورهای اعتقادی خود را حق شمردن و لذا هر کاری به سود خود و به زیان مخالفان خود بودن را مجاز شمردن از ریشه‌ها و مصادیق ستم‌گری است.

۶. ستم کردن به اجزای به هم پیوسته یک رهبری عادلانه

امام رضا علیه السلام در روایتی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله ستم به علی علیه السلام را به منزله ظلم به خود پیامبر شمرده است^۱، یعنی پیشوایی عادلانه منظومه‌ای است که با محوریت پیامبر شکل گرفته است و امیرالمؤمنین علی علیه السلام (و بر پایه باورهای شیعی دیگر امامان شیعه) جزئی از آن به‌شمار می‌روند، و اینها تا بدان پایه به هم پیوسته هستند که ستم به یکی از اجزای این منظومه، ستم به نقطه کانونی آن به‌شمار می‌رود.

۷. فریفته شدن به آرایه‌های این جهانی

امام رضا علیه السلام در گزارشی که درباره واکنش مورچگان به حضرت سلیمان علیه السلام ارائه کرده، می‌فرماید که حضرت سلیمان علیه السلام خطاب به مورچه گفت مگر نمیدانی که من پیامبر هستم و به کسی ستم روا نمی‌دارم، مورچه در پاسخ سلیمان گفت: بلی میدانم، حضرت در ادامه پرسید: پس چرا به دیگر مورچگان درباره ستم من هشدار دادی؟ و آنها را به محض آمدن من به رفتن به داخل لانه‌هایشان فراخواندی؟ مورچه در پاسخ و در تبیین مراد از ستم گفت که من ترسیدم که مورچگان به زیورآلات تو بنگرند و فریفته آن شوند و غیر خدا را بپرستند.^۲ یعنی ریشه این نوع از ستم که مورد پرسش حضرت سلیمان علیه السلام بود، فریفته شدن به آرایه‌های این جهانی و زرق و برق دنیا و غافل ماندن از خداست.

۱. «قال رسول الله صلی الله علیه و آله.... معاشر الناس إن علیا خلیفة الله و خلیفتی علیکم بعدی، و إنه لأمیر المؤمنین و خیر الوصیین، من نازعه فقد نازعی، و من ظلمه فقد ظلمنی، و من غالبه فقد غالبنی، و من بزّه فقد بزنی، و من جفاه فقد جفانی، و من عاداه فقد عادانی، و من والاه فقد والانی» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۱۲۹).

۲. «قال سلیمان: یا ایها النملة أما علمت انی نبی الله و انی لا أظلم أحدا قالت النملة: بلی. قال سلیمان علیه السلام فلم حذرتهم ظلمی فقلت «یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم» قالت النملة خشیت أن ینظروا إلی زینتک فیفتنوا بها فیعبدون غیر الله تعالی» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۷۳-۷۴).

۸. بی‌نظمی اجتماعی ناشی از نبود حکومت

عامل دیگری که در سخنان امام رضا علیه السلام به عنوان عامل رواج ستم در جامعه برشمرده شده است، نبود حکومت مستقر و مقتدر است. امام می‌فرماید ما هیچ گروه و ملتی را سراغ نداریم که بقا و حیات داشته باشند مگر این که یک سرپرست یا رئیس داشته باشند و چون وجود چنین شخصی برای هر جامعه‌ای لازم است، روا نیست که یک فرد حکیم (خداوند) مردم را در چیزی که می‌داند لاجرم به او نیاز دارند و قوام و استواری آنها به وجود اوست به حال خود رها کند. مردم به واسطه این سرپرست و رئیس با دشمنانشان می‌جنگند و درآمدهایشان را تقسیم می‌کند و این رئیس موجب گرد هم آمدن آنها می‌شود و موجب بازدارندگی ستم ستمگران نسبت به ستم‌دیدگان می‌شود.^۱

۹. ستم به خود (۲ مورد)

امام همچنین در عرصه فردی و در تبیین ستم به خود (ظلم به نفس) به دو عامل خطای در تصمیم‌گیری و بدی کردن در حق انسان‌های خوب اشاره کرده‌اند. امام رضا علیه السلام در پاسخ به پرسشی از جانب مأمون درباره مفهوم بخشی از آیه ۱۶ سوره مبارکه قصص از زبان موسی علیه السلام که به خداوند عرضه داشت: پروردگرم، همانا من به خود ستم ورزیدم، پس پیامرزم را (قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي)، فرمودند مراد حضرت موسی علیه السلام این است که من با ورود به شهر مدین، نفس خود را جایی غیر از جای شایسته و بایسته خود نهادم.^۲ از این عبارت می‌توان چنین برداشت کرد که در نگاه امام رضا علیه السلام، یک تصمیم اشتباه و یک خطا در تصمیم‌گیری می‌تواند از جمله عوامل ستم ورزیدن به خود باشد.

همچنین حسن بن جهم بیان کرده است که روزی نزد امام رضا علیه السلام بودم و برادرشان زید بن موسی نیز نزد آن حضرت بود و امام مشغول اندرز دادن به او بود و در زمره چیزهایی که به او گفت این بود که شیعیان ما به دلیل محبتشان به ما و باورمندی‌شان به ولایت ما، مورد دشمنی و عداوت مردم قرار گرفته‌اند و خون و دارایی آنها مباح شمرده شده است؛ حال اگر تو به آنها بدی کنی به خود ستم ورزیده‌ای (ظلمت نفسک) و حق خویش را پایمال کرده‌ای.^۳ بر پایه این سخن بدی به کسانی که

۱. «و منها أن لا نجد فرقه من الفرق، و لا مله من الملل بقوا و عاشوا إلا بقیم و رئیس و لَمَا لا بدّ لهم منه فی أمر الدین و الدنیا، فلم یجز فی حکمه الحکیم أن یرتک الخلق مما یعلم أنه لا بدّ له منه و لا قوام لهم إلا به فیقاتلون به عدوهم و یقسمون فیئهم و یرقیم لهم جمعهم و جماعتهم و یمنع ظالمهم من مظلومهم» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱۱۰/۱) باب امامت‌هم و فرض طاعت‌هم.

۲. «فقال المأمون: فما معنی قول موسی «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي» قال: یقول: إني وضعت نفسی غیر موضعها بدخولی هذه المدین» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱۲۷/۲) باب احتجاجه مع العلماء فی مجلس المأمون.

۳. «عن الحسن بن الجهم قال: كنت عند الرضا علیه السلام و عنده زید بن موسی أخوه و هو یقول یا زید أتق الله فإنه بلغنا ما بلغنا بالتقوی، فمن لم یتق الله و لم یراقبه فلیس منا و لسنا منه، یا زید إناک أن تهین من به تصول من شیعتنا فیذهب نورک. یا زید إن شیعتنا إنما أبغضهم الناس و عادوهم و استحلوا دمائهم و أموالهم لمحتهم لنا و اعتقادهم لولایتنا، فإن أنت أسأت إلیهم ظلمت نفسک و بطلت حقک» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۲۳۲/۱).

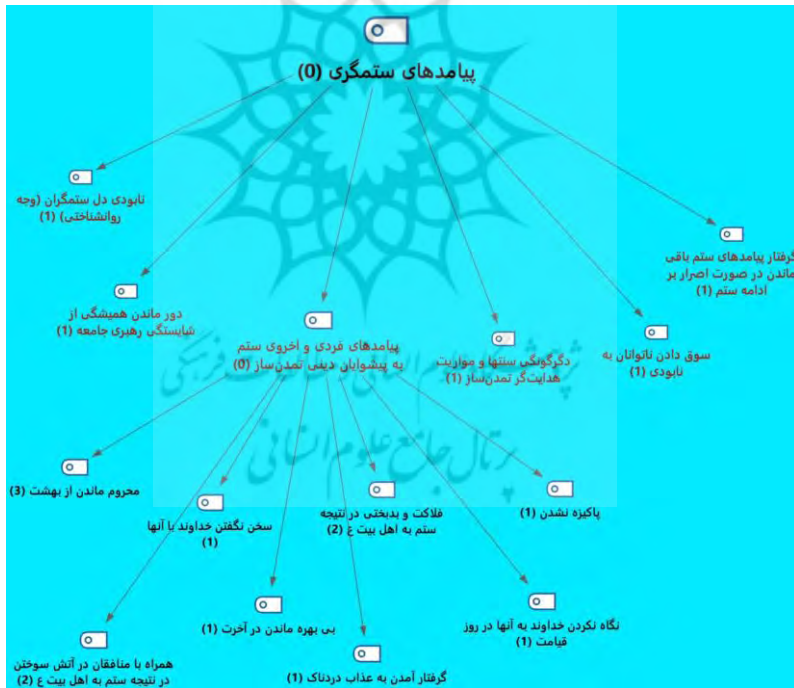
شایسته بدی کردن نیستند و بدی به انسان‌های خوب که مورد بی‌مهری دیگران قرار گرفته‌اند، به منزله ستم ورزیدن به خود است.

ب) پیامدهای ستم‌گری

بخشی دیگر از سخنان امام رضا علیه السلام درباره ستم‌گری به پیامدهای این رفتار ناپسند اختصاص دارد که امام ذیل آن به پنج نکته به این شرح اشاره کرده‌اند (نمودار شماره ۳):

۱. ویران شدن دل ستمگران (وجه روانشناختی)

امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر انسان‌ها را از ستم برحذر داشته‌اند، و در جمله‌ای تعلیلیه به دنبال آن فرموده‌اند که همانا ستم دل‌هایتان را ویران می‌کند.^۱ وقتی از پیامدهای ستم سخن به میان می‌آید نگاه‌ها اغلب معطوف به ابعاد اجتماعی آن است، ولی امام در این عبارت نغز و ژرف به روشنی به بُعد روان‌شناختی ستم (هر نوع که باشد) اشاره کرده‌اند که انسان وقتی به هر کس و چیزی که ستم بورزد، دل خویش را ویران می‌کند.



نمودار شماره ۳: پیامدهای ستم‌گری در روایات امام رضا علیه السلام

۱. «و یاسئاده قال قال رسول الله ص إِيَّاكُمْ وَ الظُّلْمَ فَإِنَّهُ يُخَرِّبُ قُلُوبَكُمْ» (صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۸).

۲. دور ماندن همیشگی از شایستگی رهبری جامعه

امام رضا علیه السلام در توضیح آیه شریفه ۱۲۴ سوره مبارکه بقره «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» می‌فرماید این آیه شریفه پیشوایی ستمگران را تا روز قیامت باطل و آنها را برای همیشه دور از شایستگی رهبری جامعه معرفی کرده است.^۱ و لذا می‌توان گفت این محرومیت یکی از پیامدهای ستم‌گری است.

۳. دگرگونی سنت‌ها و سرمایه‌های هدایت‌گر و تمدن‌ساز برای بشریت

امام رضا علیه السلام در ضمن عباراتی که در پاسخ به درخواست مأمون درباره اسلام خالص و ناب بیان داشته‌اند، در شمار باورداشت‌های مکتب اهل بیت علیهم السلام به این موارد اشاره کرده‌اند: عذاب قبر، نکیر و منکر، برانگیخته شدن پس از مرگ، میزان، صراط و تبری جستن از کسانی که به خاندان پیامبر ستم ورزیدند و به اخراج آنها همت گماشتند و ستم‌ورزی به آنها را پایه نهادند و سنت‌های نبوی را دگرگونه ساختند.^۲ به بیانی دیگر پیامد این نوع از ستم یعنی ستم به خاندان پیامبر از نگاه امام رضا علیه السلام به دگرگونی در سنت‌هایی می‌انجامد که سرمایه‌های هدایت‌گر و تمدن‌ساز برای بشریت است.

۴. سوق دادن ناتوانان به سوی نابودی

امام رضا علیه السلام در زمره پاسخ مکتوب به پرسش‌ها درباره چرایی حرمت خوردن مال یتیم از سر ستم‌گری (أكل مال اليتيم ظلما) چنین نوشته‌اند که این تحریم به دلیل فسادهای چندی است که بر خوردن مال یتیم از سر ستم‌گری مترتب است؛ نخستین آن این است که در این صورت گویی به کشتن آن یتیم کمک کرده است؛ زیرا یتیم نیازمند است و توان حل مشکلات خود را ندارد و کسی را هم ندارد که کارهایش را انجام دهد و وقتی دارایی چنین کسی به ظلم خورده شود، گویی کمر به قتل او بسته شده و او به سوی فقر و درماندگی کشانده شده است.^۳ بنابراین یکی از پیامدهای اجتماعی ستم‌گری منجر به خوردن مال یتیم در نگاه امام رضا علیه السلام، کشاندن آنها به سوی نابودی است.

۱. «قال الله تبارك و تعالی: لا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» فأبطلت هذه الآية إمامة كل ظالم إلى يوم القيامة و صارت في الصفة» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۹۷/۱ باب امامتهم و فرض طاعتهم).

۲. «و نؤمن بعذاب القبر، و منكر و نكير، و البعث بعد الموت، و الميزان، و الصراط و البراءة من الذين ظلموا آل محمد صلى الله عليه و آله و سلم، و هموا ياخراجهم و ستوا ظلمهم و غيروا سنة نبیهم صلى الله عليه و آله و سلم» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۵۰۱/۲ باب النوادر).

۳. «كتب إليه فيما كتب من جواب مسائله حزم أكل مال اليتيم ظلما لعل كثيره من وجوه الفساد، أول ذلك إذا اكل مال اليتيم ظلما فقد أعان على قتله إذ اليتيم غير مستغن و لا محتمل لنفسه، و لا قائم بشأنه، و لا له من يقوم عليه و يكفيه قيام والديه، فاذا أكل ماله فكانه قد قتله و صيره إلى الفقر و الفاقة...» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۳۲۷/۱).

۵. نرهیدن از پیامدهای ستم در صورت اصرار بر ادامه آن و یا ستم بر مؤمنان

امام رضا علیه السلام در بیانی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته‌اند که محبت اهل بیت گناهان را می‌زداید و بر نیکی‌ها می‌افزاید. خداوند از گرده دوستداران ما اهل بیت مظلمه‌ها (ستم‌های روا داشته شده به بندگان را که دقیقاً معلوم نیست به چه کسانی آسیب رسانده) را برمی‌دارد، جز آنچه که بر آن اصرار ورزیده باشند و یا به مؤمنان ستم کرده باشند.^۱ بر پایه این سخن، انسان نسبت به ستم‌های ناخواسته و یا ستم‌هایی که اکنون از آن پشیمان است و در پی جبران آن است، راهی برای رهایی از پیامدهای آن دارد، ولی اگر بر ستم‌گری خود هر چند که ناخواسته بوده باشد، اصرار بورزد و از آن دست نکشد از پیامدهای آن در امان نخواهد بود؛ همان‌گونه که اگر ستم پیشین او بر مؤمنان بوده باشد، نمی‌تواند امید بندد که از تبعات آن در امان بماند.

بخشی از سخنان امام درباره پیامدهای ستم‌گری مربوط به ستم کردن به پیشوایان معصوم است که جمعا دوازده بار به این موضوع اشاره کرده‌اند. با در همکرد موارد تکراری، این پیامدهای فردی و اخروی را می‌توان در هشت محور به شرح زیر برشمرد (نک. نمودار شماره ۳):

امام رضا علیه السلام در روایتی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله پنج پیامد برای ستم کردن به خاندان پیامبر برشمرده‌اند: گرفتار آمدن به عذاب دردناک، بی‌بهره ماندن در آخرت، سخن نگفتن خداوند با آنها در روز قیامت، نگاه نکردن خداوند به آنها در روز قیامت و دور ماندن از تزکیه و پاکیزه شدن.^۲ تقریباً تمامی این پیامدها معطوف به سرای دیگر و قیامت است.

ششمین پیامد در روایتی دیگر اینگونه بازتاب یافته است که امام رضا علیه السلام باز هم به نقل از پیامبر بهشت را بر هر کس که به اهل بیت پیامبر ستم بورزد حرام اعلام کرده است.^۳ هفتمین و هشتمین پیامد ستم به خاندان پیامبر هم فلاکت و بدبختی و سوختن در قعر جهنم همراه با منافقان است که امام رضا علیه السلام در روایتی به نقل از پیامبر به آنها اشاره کرده‌اند.^۴

۱. «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: حبنا أهل البيت يكفر الذنوب، ويضاعف الحسنات، وإن الله تعالى ليحمل عن محبتنا أهل البيت ما عليهم من مظالم العباد إلا ما كان منهم فيها على إصرار و ظلم للمؤمنين، فيقول للسيئات: كوني حسنا» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۲۳۹).

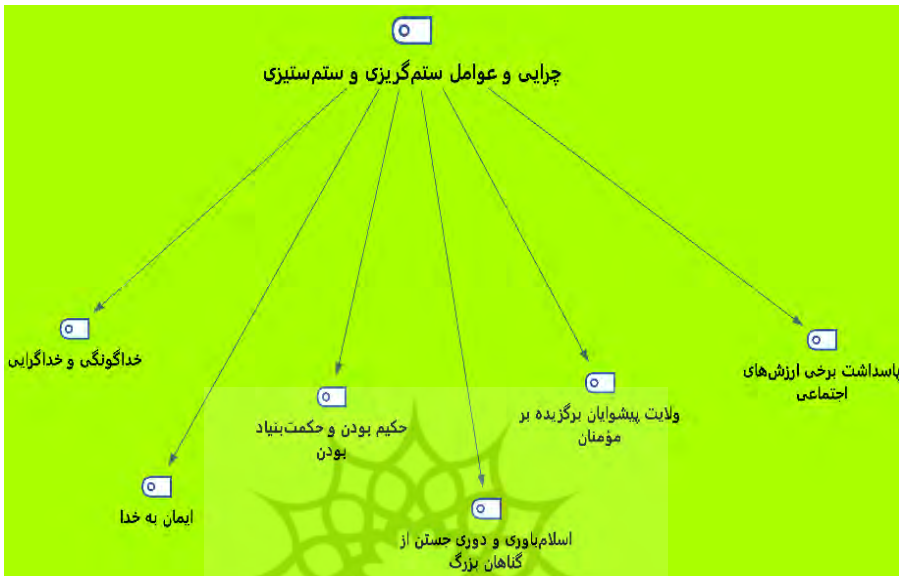
۲. «وإسناده قال قال رسول الله ص حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي - وَ قَاتَلَهُمْ وَ الْمُعِينِ عَلَيْهِمْ وَ مَنْ سَبَّهُمْ - أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَ لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ - وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (صحيفة الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۹).

۳. «و بهذا الاسناد قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم حرمت الجنة على من ظلم أهل بيتي...» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۱۰۶ باب إمامتهم و فرض طاعتهم؛ و نیز، همان، ۲۳۸: صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۹).

۴. «قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: الويل لظالمي أهل بيتي: كاني بهم عذا مع المنافقين في الدرك الأسفل من النار» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۱۰۶) و با تعبیری با اندکی تفاوت: «وإسناده قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، الويل لظالمي أهل بيتي، عذابهم مع المنافقين في الدرك الأسفل من النار» (صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۵۸).

ج) چرایی و عوامل ستم‌گریزی و ستم‌ستیزی

از سخنان امام رضا علیه السلام درباره چرایی و عوامل ستم‌گریزی و ستم‌ستیزی، نیز این شش موضوع برداشت می‌شود (نمودار شماره ۴):



نمودار شماره ۴: چرایی و عوامل ستم‌گریزی و ستم‌ستیزی در روایات امام رضا علیه السلام

۱. خداباوری و خداگونگی

امام رضا علیه السلام در روایات متعددی با پنج فراوانی به نقش خداباوری در دوری جستن از ستم اشاره کرده است. شاید بتوان گفت پیوند بین خداباوری و ستم‌گریزی و ستم‌ستیزی ریشه در این دارد که ظلم کردن در ساحت قدس الهی هیچ راهی و جایگاهی ندارد. امام چنین روایت کرده است که روزی مردی یهودی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسید آن چیزی که نزد خدا نیست چیست؟ و آن حضرت پاسخ داد که آنچه نزد خداوند نیست، ستم کردن به بندگان است.^۱ و در بخشی از یکی از دعاهای منقول از آن حضرت، خطاب به خداوند چنین آمده است: «... ای خدای توانمند... از کسی که به من ستم ورزیده است، انتقام بگیر...».^۲ همچنین در ماجرای گفتگوی حضرت سلیمان علیه السلام و مورچه که

۱. «قال حدثنا علی بن موسی الرضا عن أبائه عن الحسين بن علی علیهم السلام قال: إن یهودیا سئل أمير المؤمنين علی بن أبي طالب علیه السلام... أما قولك: ما لیس عند الله فلیس عند الله ظلم للعباد» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۳۲/۱).

۲. «یا بدیء یا بدیع، یا قوی یا منبع، یا علی، یا رفیع، صل علی من شرفت الصلاة علیه، و انتقم لی ممن ظلمنی و استخف بی و طرد الشیعة عن بابی» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۷۱/۲).

پیش از این هم به آن اشاره شد، حضرت سلیمان علیه السلام علت ستم نکردن خود را انتساب خود به خداوند یعنی فرستاده خدا بودن می‌داند.^۱ همچنین در روایتی دیگر امام رضا علیه السلام در پاسخ به این پرسش که چرا خداوند به انسان‌ها دستور داده است که به خدا و فرستادگان و حجت‌ها و آنچه از سوی او آمده است، اقرار کنند، به چند نکته اشاره کردند، از جمله این که خداوند حکیم است و کسی حکیم خوانده نمی‌شود و به صفت حکمت متصف نمی‌شود، مگر این که نسبت به فساد هشدار بدهد و امر به صلاح بکند و از ستم بازدارد و از زشتی‌های نهی کند و هیچ یک از اینها محقق نمی‌شود مگر بعد از اقرار به خداوند عز و جل.^۲ از این گزاره‌ها به روشنی برداشت می‌شود که در ساحت قدسی خداوند متعال ستم‌گری هیچ جایگاهی ندارد و بلکه هر آنچه به این ساحت قدسی نزدیک‌تر باشد، ستم‌ستیزتر هم خواهد بود. خداوند خاستگاه دادورزی و ستم‌ستیزی است و لازمه باور به چنین خدایی متصف شدن به صفت دادورزی و ستم‌ستیزی است.

۲. حکیم بودن و حکمت بنیاد بودن رفتارها

در یکی از روایات رضوی که پیش از این به آن استناد شد، امام رضا علیه السلام در بیانی عام حتی دلیل این که خداوند متعال هم ستم نمی‌کند را به حکیم بودن خداوند نسبت داده است و به صراحت بر قابل جمع نبودن حکمت با صفات ناپسند از جمله ظلم تأکید کرده است.^۳

۳. ایمان به خدا

خداباوری یک مقوله معرفتی است و ایمان به خدا مقوله‌ای مرکب از شناخت و گرایش و کنش. در بیان امام رضا علیه السلام یکی دیگر از عوامل ستم نکردن به مردم برخورداری از ایمان است. آن حضرت به نقل از پیامبر در مقام معرفی یک مؤمن واقعی فرمودند: هر که با مردم در تعامل باشد و به آنها ستم نوزد، و با آنها سخن بگوید ولی به آنها دروغ نگوید و به آنها وعده بدهد ولی خُلف وعده نکند، چنین فردی یک مؤمن واقعی است که مروتش در کمال است و عدالتش آشکار و برادری با چنین فردی ضروری است و پشت سر او بدی او را گفتن حرام است.^۴

۱. «قال سليمان: يا أيها التملة أما علمت أني نبي الله و أني لا أظلم...» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۷۳-۷۴).
 ۲. «عن الرضا عليه السلام قال: فإن قال قائل: لم أمر الخلق بالإقرار بالله و برسله و بحججه و بما جاء من عند الله عز و جل قيل: لعل كثيرة منها: ... ومنها: أن الله عز و جل حكيم ولا يكون الحكيم ولا يوصف بالحكمة إلا الذي يحظر الفساد ويامر بالصلاح، و يزرع عن الظلم، وينهي عن الفواحش، و لا يكون حطر الفساد و الأمر بالصلاح والنهي عن الفواحش إلا بعد الإقرار بالله عز و جل...» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۴۵-۴۶).
 ۳. «عن الرضا عليه السلام قال: فإن قال قائل: لم أمر الخلق بالإقرار بالله و برسله و بحججه و بما جاء من عند الله عز و جل قيل: لعل كثيرة منها: ... ومنها: أن الله عز و جل حكيم ولا يكون الحكيم ولا يوصف بالحكمة إلا الذي يحظر الفساد و يامر بالصلاح، و يزرع عن الظلم...» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۴۵-۴۶).
 ۴. «وَيَأْتِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلَمْهُمْ - وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ - فَهُوَ مُؤْمِنٌ كَمَلَتْ مَرْوَتُهُ وَ ظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ - وَ وَجِبَتْ أَخُوَّتُهُ وَ حَزَمَتْ غَيْبَتُهُ» (صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۷-۴۸).

۴. دوری جستن از گناهان بزرگ به عنوان مصداقی از اسلام‌باوری

بر پایه روایتی از فضل بن شاذان، مأمون خلیفه عباسی (۱۷۰-۲۱۸) از امام رضا علیه السلام خواست که به صورت فشرده و کوتاه عصاره اسلام را برایش بازگو کند. امام در زمره مؤلفه‌های گوناگونی که برشمردند، به دوری جستن از کمک به ستمگران هم اشاره کردند؛^۱ یعنی اسلام‌باوری باید به دوری جستن از رفتار ناپسند ستم ورزیدن بیانجامد.

۵. ولایت انسان‌های برگزیده بر مؤمنان

عامل دیگری که می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده از ظلم و ستیز با ظلم در نگاه امام رضا علیه السلام بیان شود، تن دادن به ولایت خداوند و ولایت و سرپرستی کسانی است که برگزیدگان الهی هستند و بر مؤمنان ولایت دارند.^۲

۶. پاس داشت برخی ارزش‌های اجتماعی

عامل مهم دیگری که در نگاه امام رضا علیه السلام می‌تواند به ستیز با ستم بیانجامد، پاس داشت پاره‌ای از سنت‌ها و ارزش‌های اجتماعی است که چه بسا ریشه دینی هم نداشته باشد. امام در یکی از صحبت‌های خود با ریان بن شیبب (از محدثان برجسته شیعی اوایل قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری) در حدیث معروف به «ابن شیبب»، در نکوهش رفتار زشت امت پیامبر در به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام و به اسارت بردن خانواده آن امام و غارت اموالشان، می‌فرماید که ماه محرم ماهی است که از عهد جاهلی هم ستم‌ورزی و جنگ در آن حرام بود^۳ ولی این امت نه حرمت این ماه را نگاه داشت و نه حرمت پیامبرش را.^۴ به بیانی دیگر کمینه انتظار این بود که امت پیامبر سنت اجتماعی و ارزش اجتماعی ریشه‌دار در عصر جاهلی را پاس بدارد و از ستم‌ورزی در این ماه محرم دست بکشد ولی چنین نکردند و کمر به قتل نوه پیامبر و به اسارت کشیدن خانواده او غارت اموالشان

۱. «عن الفضل بن شاذان، قال سأل المأمون علی بن موسى الرضا علیه السلام أن یکتب له محض الإسلام علی سبیل الإیجاز و الاختصار... و اجتناب الکبائر و هی قتل النفس الّتی حزم الله تعالی، ... و البأس من روح الله، و الأمن من مکر الله، و القنوط من رحمة الله، و معونه الظالمین و الرکون إلیهم...» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۵۰۲/۲؟).

۲. «فضال عن أیبه عن أبی الحسن الرضا علیه السلام قال: سألته عن أمير المؤمنین علیه السلام لم لم یسترجع فدک لَمَّا ولی أمر الناس؟ فقال: لأنّ أهل بیت إذا ولینا الله عز و جلّ لا یأخذ لنا حقوقنا ممن ظلمنا إلا هو، و نحن أولیاء المؤمنین إنّما نحکم لهم و نأخذ لهم حقوقهم ممن یظلمهم و لا نأخذ لأنفسنا» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱۳۶/۱).

۳. ماه محرم یکی از چهار ماه حرام (ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب) است که پیش از اسلام هم جنگ در آن جایز نبود و اسلام این سنت ارزشمند را تأیید کرد و آن را پاس داشت.

۴. «یا ابن شیبب إنّ المحرم هو الشهر الذی کان أهل الجاهلیة یحرمون فیہ الظلم و القتال لحرمته، فما عرفت هذه الامة حرمة شهرها و لا حرمة نبیها، لقد قتلوا فی هذا الشهر ذریته و سلبوا نساءه و انتهبوا ثقله، فلا غفر الله لهم ذلك أبدا» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱۴۷/۱).

بستند. این سخن امام به روشنی گواه آن است که پاره‌ای سنت‌های اجتماعی هر چند ریشه دینی نداشته باشند، می‌توانند به جلوگیری از ستم بیانجامند.

د) پیامدهای ستم‌گریزی و ستم‌ستیزی

در سخنان به یادگار مانده از امام رضا علیه السلام، مطالب زیادی با محور قرار دادن گزاره‌های دربردارنده مصدر «ظ.ل.م» و مشتقات آن درباره پیامدهای ستم‌گریزی و ستم‌ستیزی به چشم نمی‌خورد. در تنها عبارتی که می‌تواند مرتبط با این موضوع قلمداد شود، امام به نقل از پیامبر گفته است که پیامبر در حالی که دو انگشت خود را به هم چسبانده بود، فرمود که من (پیامبر) و علی علیه السلام در روز قیامت مانند این دو انگشت به هم چسبیده با هم همراه هستیم و شیعیان ما هم با ما همراه هستند و نیز هر کسی که به یاری فردی از ما که مظلوم واقع شده باشد بشتابد، با ما همراه است.^۱ یعنی در این بیان امام رضا علیه السلام یکی از مصادیق ستم‌ستیزی که کمک رساندن به ستم‌دیدگان شیعه است، دارای پیامد ارزشمندی در روز قیامت است و آن همراهی با پیامبر و علی علیه السلام است.

تحلیل تمدنی یافته‌ها

در گزاره‌های برگرفته از سخنان امام رضا علیه السلام از مقوله‌ای به نام تمدن سخن به میان نیامده است و تمامی گزاره‌های شناسایی شده یا در سطح فردی (شامل مناسبات انسان با خودش و یا مناسبات او با خداوند متعال) و یا در سطح اجتماعی قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر هیچ یک از گزاره‌ها ظلم را به‌منزله یک موضوع تمدنی مورد توجه قرار نداده است، ولی همان‌گونه که گفته شد حتی مسائل فردی و خرد را هم می‌توان با رویکرد تمدنی مورد بررسی قرار داد؛ زیرا برای هر موضوع و پدیده‌ای می‌توان لایه‌ها و سطوح تحلیل متفاوت در نظر گرفت. موضوعات و پدیده‌ها را می‌توان گاه در سطح و لایه فردی مورد بررسی قرار داد؛ یعنی پیام‌ها و دلالت‌ها و آورده‌های آن را در سطح فردی بررسی کرد و گاه همان موضوع یا پدیده را می‌توان در سطح و لایه خانوادگی بررسی کرد و سپس همان موضوع یا پدیده را می‌تواند در سطح و لایه‌ای بالاتر یعنی در سطح محله و سپس در سطح شهر و به همین ترتیب در سطح ملی و منطقه‌ای و جهانی تواند مورد بررسی قرار داد و پیام‌ها و دلالت‌ها و آورده‌های آن در چنین سنجیده شود. سطح و لایه تمدنی بالاترین سطح مناسبات بشری است که به دلیل توجه به گذشته و آینده حتی از سطح جهانی نیز یک پله بالاتر قرار می‌گیرد. بنابراین بررسی تمدنی دیدگاه امام رضا علیه السلام درباره چرایی و پیامدهای ستم‌گری و ستم‌ستیزی یعنی این چهار محور

۱. «قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أنا و هذا- یعنی علیا- يوم القيامة كهاتين - و ضمّ بين إصبعيه - و شيعتنا معنا، و من أعان مظلوماً كذلك» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۱۳۰-۱۳۱).

شناسایی شده برای گزاره‌ها در سطح و مقیاس تمدنی سنجیده شود. یادآور می‌شود گزاره‌های مربوط به پیامدهای ستم‌گری و یا ستم‌ستیزی در جهان آخرت (با توجه به این جهانی بودن بحث تمدن) و نیز گزاره‌هایی که امکان بسط در مقیاس تمدنی ندارد، در این جمع‌بندی کنار گذاشته شده است. درنگی از منظر تمدنی بر آنچه از امام درباره عوامل پیدایش و رواج ستم‌گری در جامعه به دست ما رسیده است، ما را به سوی دسته‌بندی این عوامل در سه مؤلفه مهم تمدنی راهنمایی می‌کند: نظام اندیشگی، حکومت و تعاملات و مناسبات اجتماعی (الویری، ۱۴۰۳: ۲۲-۲۳). این مؤلفه‌ها بخشی از مؤلفه‌های یک تمدن هستند که درباره مناسبات بین آنها و جایگاه آنها در منظومه مؤلفه‌های تمدنی در جایی دیگر باید سخن گفت.

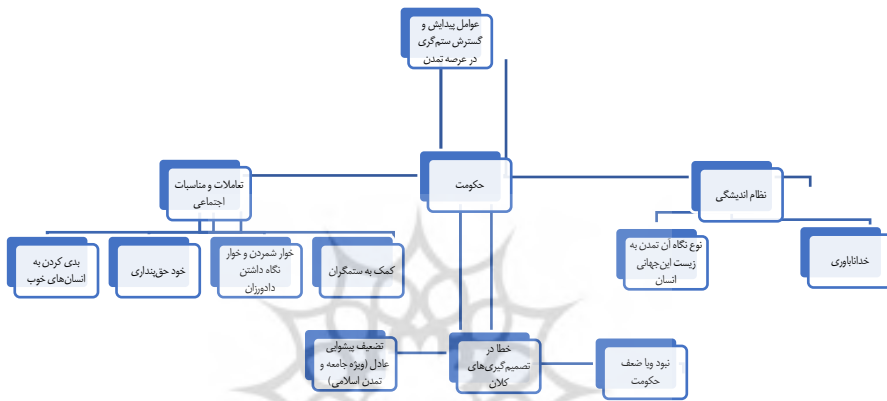
۱. زمینه‌ها و عوامل رواج ستم‌گری در یک تمدن

نظام اندیشگی که به مثابه قلب و مغز و موتور یک تمدن، منطق ترکیب همه مؤلفه‌های تمدن‌ساز و ترسیم‌کننده جهت‌گیری‌ها و غایت یک تمدن است در نخستین پرسش هستی‌شناختی پیش روی خود باید به این پرسش پاسخ دهد که به خدا باور دارد یا نه و در صورت مثبت بودن پاسخ، چه جایگاهی برای خداوند در نظام هستی قائل است؟ (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۵/۱-۴۶، باب جوامع التوحید)؛ بنابراین خداباوری و خداانا باوری را شاید بتوان کانونی‌ترین نقطه عزیمت و هویت‌بخش یک تمدن به‌شمار آورد. نکته دیگری که در عرصه نظام اندیشگی، یک تمدن را نسبت به ستم آسیب‌پذیر می‌کند، نوع نگاه آن تمدن به زیست این جهانی انسان است. تمدنی که روح غالب آن فریفته آرایه‌های این جهانی و زرق و برق آن باشد، ستم‌گری در آن زمینه تحقق می‌یابد (همان، ۷۴/۱-۷۳) و تمدنی دچار این فریفتگی نباشد از ستم‌گری هم فاصله می‌گیرد.

حکومت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین و مقتدرترین نهاد اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن را تشکیل می‌دهند. در جامعه‌ای که حکومت وجود نداشته باشد، ستمگران جرأت و قدرت ستم کردن به دیگران را پیدا می‌کنند (همان، ۱۱۰/۱، باب امامت‌هم و فرض طاعت‌هم) و بر همین مبنای یک حکومت ضعیف هم که توان کافی برای اداره جامعه را نداشته باشد، به اندازه ضعف خود زمینه‌ساز رواج ستم‌گری است. به همین ترتیب خطا در تصمیم‌گیری‌های کلان در سطح نقش‌آفرینان یک تمدن می‌تواند پیامدهایی داشته باشد که به‌منزله ستم آن تمدن به خود و آسیب رساندن آن تمدن به خود است (همان، ۱۲۷/۲، باب احتجاجه مع العلماء فی مجلس المأمون).

در عرصه مدیریت جامعه اسلامی، پیشوایی الهی عادلانه‌ای که نگاه تمدنی هم داشته باشد یک سرمایه تمدنی بسیار بزرگ است، هر چند پیشوایی در یک شخصیت کانونی تمرکز می‌یابد ولی در همه تمدن‌ها معمولاً این پیشوایی در یک شبکه به هم پیوسته نقش خود را ایفا می‌کند. در نگاه امام رضا علیه السلام در تمدنی که بن‌مایه‌های فکری آن را اسلام تشکیل دهد، ستم کردن به اهل بیت پیامبر

به‌منزله ستم کردن به خود پیامبر است (همان، ۱۲۹/۱) و روشن است که ستم کردن به پیامبر به‌مثابه تهدید و تضعیف رکن اصلی مدیریت و راهبری تمدن اسلامی است. در عرصه تعاملات اجتماعی هم، رفتارهایی همچون کمک به ستمگران، خوار شمردن و خوار نگاه داشتن داوران، خود حق‌پنداری و بدی کردن به انسان‌های خوب (همان، ۲۳۲/۱) از جمله عوامل زمینه‌ساز گسترش ستم در گستره یک تمدن به‌شمار می‌رود.



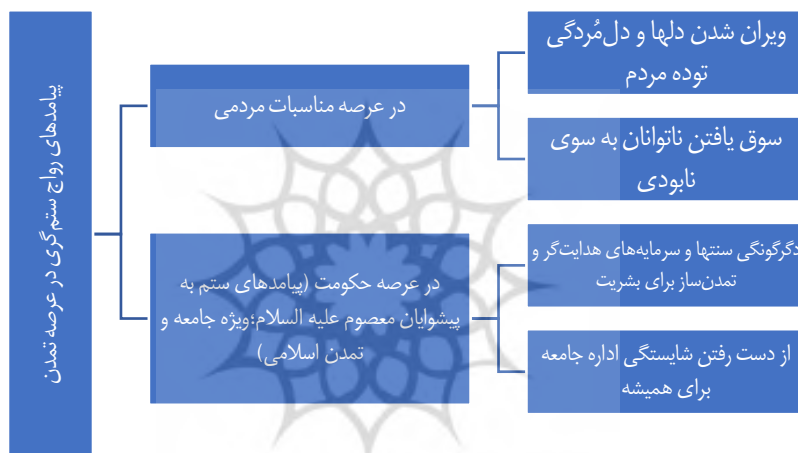
نومدار شماره ۵: عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش ستم‌گری در عرصه تمدن

۲. پیامدهای رواج ستم‌گری در عرصه تمدن

در تمام مؤلفه‌های سخت و نرم تمدن، توده مردم نیز همپای حکومت و نخبگان نقش بنیادین دارند (الویری، ۱۳۹۸). آنچه از سخنان امام برداشت می‌شود، رواج ستم‌گری در عرصه مناسبات مردمی به ویران شدن دلها (صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۸) و دلمردگی می‌انجامد، هر چند این دلمردگی در سطح حاکمان و نخبگان هم قابل تصور است ولی زیان‌بارترین سطح آن ویران شدن دل توده مردم است که به‌صورت طبیعی به کاهش نقش‌آفرینی مثبت آنها در مسیر حرکت یک تمدن و یا حفظ اعتلای یک تمدن منجر می‌شود.

موضوع دیگری که باز هم در عرصه اجتماعی به‌عنوان یکی از پیامدهای مهم رواج ستم‌گری می‌توان ذکر کرد، سوق یافتن ناتوانان به سوی نابودی است (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۳۲۷/۱). ناتوانی هر چه بیشتر و نابودی این ناتوانان که اغلب از طبقات محروم جامعه هستند منجر به از بین رفتن یا آسیب دیدن یکی از مهمترین سرمایه‌های اجتماعی یک جامعه متمدن می‌شود.

بخشی از سخنان امام درباره پیامدهای ستم‌گری مربوط به ستم کردن به پیشوایان معصوم است که پیامدهای آن در سطح مدیریت و حکومت جامعه اسلامی دارای حرکت تمدنی قابل تصور است. ستم به خاندان پیامبر از نگاه امام رضا علیه السلام به دگرگونگی در سنت‌هایی می‌انجامد (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۵۰۱/۲، باب النوادر) که سرمایه‌های هدایت‌گر و تمدن‌ساز برای بشریت است. پیامد دیگری که دامن ستمگران را می‌گیرد، از دست رفتن شایستگی اداره جامعه برای همیشه است. یعنی در نگاهی هنجاری، اگر جامعه اسلامی آهنگ حرکت به سوی تمدن دارد، باید بکوشد که رهبری جامعه اسلامی به کسانی که با معیارهای مشخص شده از سوی دین اسلام، ستم‌گر شمرده می‌شوند سپرده نشود؛ زیرا ستمگران بر اساس تفسیر امام از آیه ۱۲۴ سوره مبارکه بقره، برای همیشه شایستگی رهبری جامعه را از دست می‌دهند (همان، ۹۷/۱، باب امامت‌هم و فرض طاعت‌هم).



نمودار شماره ۶: پیامدهای رواج ستم‌گری در عرصه تمدن

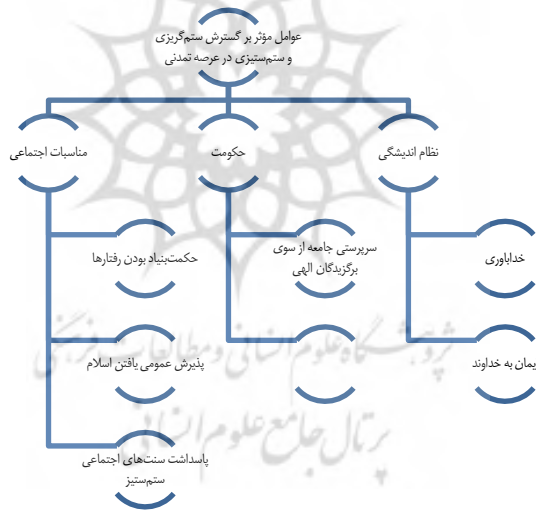
۳. عوامل مؤثر بر گسترش ستم‌گری و ستم‌ستیزی در عرصه تمدنی

گسترش فرهنگ ستم‌گری و ستم‌ستیزی در گستره تمدن نیز در فهمی تمدنی از سخنان امام رضا علیه السلام در سه عرصه نظام اندیشگی، حکومت و مناسبات اجتماعی قابل دسته‌بندی است. این موضوع پیش از هر چیز ریشه در نظام اندیشگی تشکیل دهنده بنیان‌های فکری آن تمدن دارد که خداباوری (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۳۲/۱، ۷۳-۷۴، ۴۵-۴۶، ۷۱/۲؛ صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۸۴) و ایمان به خداوند (صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۷-۴۸) مقدم بر همه عوامل دیگر در آن نقش آفرینی می‌کند.

حکومت و مدیریت جامعه همان‌طور که در گسترش ستم مؤثر بود در جلوگیری از ستم هم مؤثر است. این که امام می‌فرمایند ولایت و سرپرستی برگزیدگان الهی بر مؤمنان مانع رواج ستم در جامعه

ایمانی می‌شود (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۱۳۶)، این پیام عمومی را در عرصه تمدن دارد که به هر اندازه اداره و سرپرستی جامعه در دست کسانی باشد که به ویژگی‌های برگزیدگان الهی نزدیک باشند، به همان اندازه می‌توان امید داشت که در آن تمدن زمینه‌های رواج ستم کمتر است. در عرصه رفتارها و مناسبات اجتماعی نیز حکمت‌بنیاد بودن رفتارها عامل گسترش ستم‌ستیزی است (همان، ۱/۴۵-۴۶). نکته دیگری که از سخنان امام رضا علیه السلام درباره پیامدهای ستم‌ستیزی در مقیاس تمدنی با تأکید بر تمدن اسلامی می‌توان برداشت کرد، این است که اگر نظام اندیشگی تمدن‌ساز (اسلام) پذیرش عمومی بیابد و به فرهنگ عمومی تبدیل شود، در این صورت دوری جستن از گناهان بزرگ از جمله ستم‌گری به‌عنوان یکی از مصادیق مهم آن نیز به فرهنگ عمومی تبدیل می‌شود.^۱

عامل دیگری که در سطح و تراز تمدنی می‌تواند به گسترش فرهنگ ستم‌ستیزی بیانجامد پاس داشت برخی سنت‌های اجتماعی است که در آن سنت‌ها، ستم‌ورزی نکوهیده تلقی می‌شود.^۲ تمدن‌ها در بستر مجموعه‌های از سنت‌های به یادگار مانده از تمدن‌های پیشین و یا وام‌گرفته از دیگر تمدن‌ها زاده می‌شوند و می‌بالند. رویکرد تمدنی اقتضا می‌کند که سنت‌های همسو با اهداف آرمان‌های تمدن جدید پاس داشته شود و از این ظرفیت موجود به‌خوبی بهره برده شود.



نمودار شماره ۷: عوامل مؤثر بر گسترش ستم‌گری و ستم‌ستیزی در عرصه تمدنی

۱. «عن الفضل بن شاذان، قال سأل المأمون علی بن موسی الرضا علیه السلام أن ینصحه له محض الإسلام علی سبیل الإیجاز و الاختصار ... و اجتناب الكبائر و هی قتل النفس الّتی حرم الله تعالی، و ... و الیأس من روح الله، و الأمن من مکر الله، و القنوط من رحمة الله، و معونة الظالمین و الرکون إلیهم ...» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۲/۲۰۲؟).

۲. «یا ابن شیبب إنّ المحرم هو الشهر الذی کان أهل الجاهلیة یحرمون فیہ الظلم و القتال لحرمته، فما عرفت هذه الامة حرمة شهرها و لا حرمة نبیها، لقد قتلوا فی هذا الشهر ذریته و سلبوا نساءه و انتهبوا ثقله، فلا غفر الله لهم ذلك أبدا» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۱/۱۴۷).

نتیجه

بررسی ۳۸ مضمون برگرفته از ۲۶ روایت برگزیده امام رضا علیه السلام در بردارنده مشتقات مصدر (ظ.ل.م) در دو کتاب مسند الامام رضا علیه السلام و صحیفه الإمام الرضا علیه السلام و ویرایش و دسته‌بندی مضامین شناسایی شده در چهار محور فراگیر، نشان‌دهنده آن است که می‌توان از منظر الهیات تمدن به فرپهی آموزه‌های رضوی به‌عنوان بخشی از منابع اسلامی باور پیدا کرد. روشن است که این بررسی باید با واکاوی همه روایات منقول از آن حضرت و نیز سیره آن امام همام تکمیل شود و سپس هر یک از محورهای به‌دست آمده تبیین و تحلیل و شاخص‌گذاری شود. همان‌گونه که گزاره‌های شناسایی شده در روایات امام رضا علیه السلام از نظر کسی که دست به ستم می‌زند، کسی که در معرض ستم قرار می‌گیرد، نوع ستم، گستره ستم، عرصه بروز و ظهور ستم‌گری و ستم‌ستیزی می‌تواند و باید دسته‌بندی‌های فرعی دیگری داشته باشد که در این نوشتار بدانها پرداخته نشده است. با وجود این، با معیار قرار دادن همین گزاره‌های شناسایی شده با محوریت مصدر (ظ.ل.م) و مشتقات آن، یافته‌هایی ارزشمند از منظر الهیات تمدن به‌دست آمده است. بر پایه این یافته‌ها، پیدایش ستم‌گری در عرصه تمدنی می‌تواند ریشه در نظام اندیشه تشکیل‌دهنده یک تمدن و یا شیوه حکمرانی حکومت و یا مناسبات مردمی داشته باشد و ستم‌ستیزی نیز ریشه در همین سه مؤلفه اصلی تمدن دارد. پیامدهای ستم‌گری نیز در گستره روایات رضوی در دو مؤلفه مناسبات اجتماعی و حکومت قابل ردگیری است. با توجه به جایگاه کانونی بنیان‌های اندیشه‌ای یک تمدن، می‌توان در بین سه مؤلفه نام برده شده نیز نقش محوری را به نظام اندیشه‌ای داد و طبعاً در رهیافت دینی نقطه اصلی در نظام اندیشه نیز معطوف به ایمان به خداوند است. ایمان از باورها آغاز می‌شود و همه ساختارهای اجتماعی از جمله تمدن را از خود متأثر می‌سازد و تا ریزترین رفتارهای فردی و خانوادگی و اجتماعی امتداد می‌یابد و در نتیجه در همه این سطوح می‌تواند زمینه‌های ستم‌گری را بزدايد و به همین ترتیب ضعف ایمان به خدا در همه این سطوح می‌تواند از جنبه نظری و عملی زمینه‌ساز پیدایش و گسترش ستم‌گری باشد. این یافته همسو با برخی پژوهش‌های دیگر درباره رابطه ایمان^۱ و عبودیت با تمدن است.

۱. بهمنی، «ایمان مفهوم محوری در ساخت تمدن است».

منابع

- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۳)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- اشمیت، کارل (۱۳۹۱ش)، الاهیات سیاسی، ترجمه لیلا چمن‌خواه، تهران، نگاه معاصر.
- الویری، محسن (۱۴۰۳ش)، تاریخ تمدن، موسوعه معارف شیعه: ۲، قم، نشر معارف اهل بیت الطاهرین علیهم السلام.
- _____ (۱۳۹۸ش)، «اندیشه اسلامی در تمدن‌زایی باید راه خود را از میان مردم گذر دهد»، ارائه شده در گروه هنر و تمدن پژوهشکده اسلام تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، ۱۳۹۸/۱/۲۴: mehrnews.com/xP3q9 (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۴/۶/۳۱).
- _____ (۱۴۰۲ش)، «مفهوم رویکرد تمدنی و شاخص‌های آن: بررسی موردی بیانیه گام دوم انقلاب»، در: چستی رویکرد تمدنی از عرصه نظر تا صحنه عمل، به کوشش محمدرضا بهمنی خدنگ و مهدی مولائی آرنی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۱۱۹-۱۴۰.
- بهمنی، سعید، «ایمان مفهوم محوری در ساخت تمدن است»، ایگنا، ۲۹ دی ۱۳۹۸: <https://iqna.ir/00GFU1> (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۴/۶/۳۱).
- بهمنی خدنگ، محمدرضا و مهدی مولائی آرنی (۱۴۰۲ش)، چستی رویکرد تمدنی از عرصه نظر تا صحنه عمل، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- پاکنچی، احمد (۱۴۰۲ش)، بنیان‌های روش تحقیق در تعامل علوم انسانی و اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- پرور، اسماعیل (۱۴۰۱ش)، «موضوع‌شناسی و موضوع‌سازی فقهی با تأکید بر حوزه سیاست و اجتماع»، دوفصلنامه مطالعات فقه سیاست، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان، ص ۲۷-۵۴.
- تهانوی، محمدعلی بن علی (۱۹۹۶)، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، تصحیح علی دحروج، بیروت، مکتبه ناشرون.
- جمالی، مصطفی (۱۴۰۲ش)، «شاخص‌های رویکرد تمدنی و تطبیق آن بر حادثه عظیم اربعین»، در: چستی رویکرد تمدنی از عرصه نظر تا صحنه عمل، به کوشش محمدرضا بهمنی خدنگ و مهدی مولائی آرنی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۱۹۳-۲۳۰.
- حسین‌نژاد، ق. (بی‌تا)، روش تحقیق مفهومی در متون اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدری‌پور، عباس (۱۴۰۲ش)، «مقدمه‌ای بر رویکرد تمدنی و نمایی از چگونگی حل مسئله تعلیم و تربیت با این رویکرد»، در: چستی رویکرد تمدنی از عرصه نظر تا صحنه عمل، به کوشش محمدرضا بهمنی خدنگ و مهدی مولائی آرنی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۲۳۱-۲۵۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.

- راموز، ادريس و احمدعلی قانع (۱۳۹۶ش)، «روش پيچوبی مفاهيم مدرن در متون دينی (رابطه مفهوم امت در قرآن کریم و مفهوم فرهنگ)»، فصلنامه دين و ارتباطات، دوره ۲۴، شماره ۱، شهريور، ص ۵-۳۵.
- رهدار، احمد (۱۴۰۲ش)، «چيستی رویکرد تمدنی و تطبيق آن بر موضوع گفتمان مقاومت»، در: چيستی رویکرد تمدنی از عرصه نظر تا صحنه عمل، به کوشش محمدرضا بهمنی خدنگ و مهدی مولائی آرانی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۲۵۵-۲۹۸.
- صحيفة الإمام الرضا(ع) (۱۴۰۶). گردآوری: احمد بن عامر طائی، تصحيح محمدمهدی نجف، مشهد، کنگره جهانی امام رضا(ع).
- صفدری، علی، «عصر الهیات‌های مضاف و روابط بين الملل»: <https://B2n.ir/br4272> (مراجعة: ۱۴۰۴/۶/۳۰).
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰)، الفروق فی اللغة، بیروت، دار الآفاق الجديدة.
- علوی، سيدجعفر (۱۳۹۲ش)، عوامل مؤثر در تشخيص موضوعات، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فراهیدی، خليل بن احمد (۱۴۰۹)، کتاب العين، قم، هجرت.
- فرحناک، علیرضا، موضوع‌شناسی در فقه؛ گفتگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ش.
- کماني نجف‌آبادی، مهدی (۱۴۰۲ش)، «روشهای نظریه‌پردازی براساس متون دينی در مطالعات علوم انسانی (مرور بازه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ش)»، تحقیقات بنيادین علوم انسانی، ش ۳۰، بهار، ص ۹۹-۱۴۴.
- مسند الإمام الرضا أبي الحسن علی بن موسی علیهما السلام (۱۴۰۶)، به کوشش عزيز الله عطاردی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- الموسوی، السیدعلی عباس (۱۳۸۷/۱۴۳۰ش)، فقه المسائل المستحدثه، قم، مرکز العلوم و الثقافة الاسلاميه.
- نوایی، علی اکبر (۱۳۸۱ش)، «موضوع‌شناسی فقهی و رابطه آن با علوم»، اندیشه حوزه، شماره ۳۴.
- نوروزی فیروز، رسول (۱۴۰۲ش)، «رویکرد تمدنی در روابط بين الملل»، در: چيستی رویکرد تمدنی از عرصه نظر تا صحنه عمل، به کوشش محمدرضا بهمنی خدنگ و مهدی مولائی آرانی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۳۳۱-۳۴۴.
- واسعی، سيدعلیرضا (۱۴۰۲ش)، «رویکرد تمدنی؛ چيستی و شاخص‌ها (مورد مطالعه: انتخابات)»، در: چيستی رویکرد تمدنی از عرصه نظر تا صحنه عمل، به کوشش محمدرضا بهمنی خدنگ و مهدی مولائی آرانی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۳۴۵-۳۵۷.

- هاشمی نسب، سیدسعید (۱۴۰۲ش)، «رویکرد تمدنی و بالاترین سطح آگاهی اجتماعی برای کنش اجتماعی (تمدنی): گره زدن اراده‌مند گذشته و آینده برای به‌گشت امروز (سیاست زندگی)»، در: چپستی رویکرد تمدنی از عرصه نظر تا صحنه عمل، به کوشش محمدرضا بهمنی خدنگ و مهدی مولائی آرانی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۳۵۹-۳۷۵.

- Volf, Miroslav & Matthew Croasmun (2019), *For the Life of the World: Theology That Makes a Difference*, Brazos Press

